یادداشت

شارلوت دانکر

با وجود نتایج ضعیف و عملکرد نه‌چندان دلچسب

چرا منچستر هنوز حامی سولشر است؟

چند هفته آینده برای منچستریونایتد هفته‌هایی کلیدی خواهد بود چرا که مشخص خواهد شد آیا تردید منتقدان به شایستگی اوله گونار سولشر برای هدایت این تیم درست است یا اعتماد باشگاه به او؟

اگر ذره‌ای تردید درباره اعتماد باشگاه منچستریونایتد به سولشر داشتید، فقط کافی بود که به قرارداد جدید مایک فلان نگاهی بیندازید تا متوجه شوید که باشگاه هیچ برنامه‌ای برای مرخص کردن سرمربی نروژی‌اش ندارد. گویا هم مایکل کریک هم کایران مک‌کنا که دستیاران سولشر در کادر فنی منچستریونایتد هستند هم مانند او در صف تمدید قرارداد بوده تا ثابت شود که باشگاه کاملاً حامی ساختار کنونی کادر فنی‌اش است.

دسامبر (۲ ماه دیگر) سومین سالگرد تحویل سکان هدایت تیم از ژوزه مورینیو اخراجی به سولشر است. او از آن زمان تاکنون بارها توسط رسانه‌ها سزاوار و در آستانه اخراج توصیف شده که شاید تعداد دفعاتش بیش از هر مربی دیگری در لیگ برتر انگلیس در مدت مشابه بوده اما هنوز هم اخراج نشده است و دارد به کارش ادامه می‌دهد. سولشر تا الان مجبور بوده از خودش و وضعیتی که تیمش در ابتدای فصل داشته دفاع کند. او هفته گذشته پس از تساوی خانگی برابر اورتون با این سؤال مواجه شد که آیا خودش را گزینه مناسبی برای هدایت منچستریونایتد می‌داند و اینگونه پاسخ داد: «این همان سؤالی است که من بعد از برد ۲ بر یک مقابل ویارئال در لیگ قهرمانان اروپا هم جواب دادم. من بسیار مطمئنم که ما می‌توانیم بهترین بازی را از این تیم بگیریم. این ماه، اتفاقات زیادی رخ داد و دو بازیکن جدید، رافائل واران و جیدون سانچو تازه از ماه آگوست با ما بوده‌اند و کریستیانو رونالدو هم از ماه سپتامبر به ما ملحق شده است. کلی کار داریم که باید انجام دهیم و تیم‌مان باید پیشرفت کند. ما این را می‌دانیم و من هم می‌دانم اما به این گروه از بازیکنان و اعضای کادر فنی که در کنارم کار می‌کنند، ایمان دارم. پس کوتاه بخواهم پاسخ‌تان را بدهم باید بگویم که بله خودم را گزینه مناسبی می‌دانم.»

سال گذشته همین موقع، نام ماتوریسیو پوچتینو به عنوان گزینه جانشینی سولشر سر زبان همه بود و بارها مرد نروژی مجبور شد از خودش بابت شروع ضعیفی که داشت دفاع کند اما هر بار که بحران گریبان تیمش را می‌گرفت، او برخلاف انتظارات توانست شاگردانش را از آن خارج کند. کسب نتایج، زمانی که بیش از هر وقت دیگری به آنها نیاز داشت، وجه مشترک کارنامه او در هر یک از سه فصل مربیگری‌اش در من یونایتد بوده است. در فصل ۲۰-۲۰۱۹ این تقریباً به یک چرخه تبدیل شده بود. تیم وارد یک دوره بد می‌شد، بازی‌های سخت را پشت سر می‌گذاشت و آخر سر برنده می‌شد.

فصل پیش بحران شیاطین سرخ با تساوی مقابل شفیلد یونایتد، باختن به آستانه و تساوی با استون ویلا آغاز شد اما با پیروزی مقابل تاتنهام در خانه و شکست دادن سیتی در اتحاد فروکش کرد. وضعیت فعلی شیاطین سرخ نسبت به همین مقطع از فصل گذشته بهتر است چرا که مجموع امتیازات شان بعد از ۷ هفته از آغاز لیگ برتر ۴ امتیاز بیشتر است اما از حالا به بعد است که محک واقعی من یونایتد آغاز می‌شود؛ بازی مقابل لسترسیتی خارج از خانه، مقابل لیورپول در خانه، مقابل تاتنهام خارج از خانه و منچسترسیتی در خانه، ۴ بازی بعدی تیم سولشر هستند. باختن در هر یک از این بازی‌ها کافی است تا فشار بالاتر برود اما بردن این بازی‌ها همانا و مطرح شدن نام من یونایتد به عنوان مدعی قهرمانی همانا.

تردیدی نیست که سولشر در این فصل چاره‌ای جز کسب قهرمانی ندارد و هموطنش یان آرنه ریسه هم به این موضوع واقف است. ستاره سابق لیورپول به سایت گل گفت: «من فکر می‌کنم که سولشر دارد کارش را خوب انجام می‌دهد. او آرامش خودش را حفظ می‌کند و روی چیزهایی که می‌تواند برای تیم انجام دهد تمرکز دارد. او خیلی برای آنچه رسانه‌ها و مردم می‌گویند اهمیت قائل نیست. یک هفته می‌گویند بدترین مربی تاریخ است و هفته بعد می‌گویند که تعویض‌هایش عالی است و دوباره خوب به نظر می‌رسد. او به این چیزها عادت کرده است. کار سختی است. منچستریونایتد یکی از بزرگترین باشگاه‌های دنیاست و هدایت آن کاری سخت. پس سولشر همیشه تحت فشار خواهد بود. او باید چیزی ببرد و به همین دلیل هم من خیلی ناراحت شد وقتی که آنها خیلی زود از جام اتحادیه حذف شدند.»

عملکرد من‌یونایتد در هفته‌های اخیر ضعیف بوده است و این هم بر کسی پوشیده نیست اما باشگاه به ساختاری که سولشر در تیمش ایجاد کرده ایمان دارد و پیشرفت آن را می‌بیند پس نیازی به گرفتن تصمیمات شتابزده به خاطر چند نتیجه بد نیست.

منبع: گل

رونالدو حتی از دروازه‌بان هم کمتر دویده

زهر و پادزهر

گزارش
جیمز شارپ

از اول هم قرار همین بود. کریستیانو رونالدو چند هفته بیشتر نیست که به لیگ برتر برگشته و بازیکن ماه شده است. سه گل در سه بازی. اثرگذاری، شادی‌های خاص، عضلات. او اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌شود نادیده‌اش گرفت.

چه کسی اهمیت می‌دهد محمد صلاح در سپتامبر بیشتر گل زده و شبیه بهترین بازیکن جهان بوده؟ اینکه در باخت یونایتد به استون ویلا کاملاً بی‌خاصیت بود، اصلاً مهم است؟

هر جا که می‌رود، همه توجه‌ها به او است. فشارش هم به اوله گونار سولشر می‌آید که هیچ وقت از این سؤال که آیا به درد منچستریونایتد می‌خورد، فاصله نگرفته. رونالدو را مقابل اورتون در ترکیب اصلی نمی‌گذارد و خیلی طول نمی‌کشد که سر الکس فرگوسن می‌گوید اشتباه کرده. همه می‌دانند رونالدو یعنی گل و کمتر کسی در تاریخ فوتبال مثل او بوده.

جای تعجب نیست که از بازگشتش به اولدترافورد هیچ بازیکنی در لیگ برتر به اندازه رونالدو به سمت دروازه رقبا ضربه نزده. ۱۸ تا در چهار بازی که در یکی فقط نیم ساعت در زمین بوده. گل هم زده، دو تا به نیوکاسل در اولین بازی‌اش، یکی به وستهم و یک گل در همه بازی‌هایش در لیگ قهرمانان از جمله گل پیروزی دیرهنگام به ویارئال. او کارش را بلد است. شک نکنید به گلزنی ادامه می‌دهد.

نگران‌کننده کارهایی است که برای منچستریونایتد انجام نمی‌دهد. اول اینکه زیاد نمی‌دود. از ۷۲ مهاجمی که در این فصل لیگ قهرمانان حداقل ۷۵ دقیقه بازی کرده‌اند، ۶۷ نفر بیشتر از رونالدو طی مسافت کرده‌اند. رونالدو در هر ۹۰ دقیقه ۵/۹۵ کیلومتر را طی می‌کند. نفر اول این فهرست یانیک کاراسکوی اتلتیکو مادرید است که ۱۲/۸ کیلومتر می‌دود. حتی مسی که راه رفتن‌هایش در زمین مشهور است، ۸/۳ کیلومتر می‌دود. حتی کاستیلز از ولفسبورگ ۶/۲ کیلومتر را طی می‌کند که بیشتر از رونالدو بوده؛ البته او دروازه‌بان است.

هواداران یونایتد خواهند پرسید «خب که چه؟» اما قرار بود سولشر تیمی با چشم‌اندازی برای آینده بسازد حالا اتکایش به یک بازیکن ۳۶ ساله است که به سختی حرکت می‌کند. هیچ مهاجمی در لیگ برتر کمتر از رونالدو به بازیکنان حریف فشار نمی‌آورد، متوسط او در هر بازی سه بار تحت فشار گذاشتن بازیکن حریف است، رقم این میانگین در مورد تیمو ورنر و دیوگو ژوتا ۲۰ بار است.

درست است که گل‌های او برای یونایتد مؤثر است اما همکاری نکردنش در دفاع روی یونایتد تأثیر نگذاشته؟ تحت فشار قرار ندادن بازیکنان حریف یعنی فشار به هم‌تیمی‌ها بخصوص خط میانی یونایتد. اینکه شاخص پرسینگ یونایتد رشد کرده به خاطر سختکوشی هم‌تیمی‌های رونالدو است. در زمان مالکیت توپ، فشار یونایتد در یک سوم دفاعی حریف کاهش یافته اما سه هافبک تیم به سرعت پوشش می‌دهند؛ فرد، پل پوگبا و اسکات مک‌تامینای فشار زیادی را متحمل می‌شوند.

اینجا دقیقاً نقطه ضعف یونایتد است. وقتی مجبور می‌شوند از خط میانی برای فشار به تیم حریف استفاده کنند شکاف‌های زیادی برای سوءاستفاده رقیب به وجود می‌آید نسبت به زمانی که پرس از خط حمله شروع می‌شد و خط میانی فرصت سر و شکل گرفتن پیدا می‌کرد.

این مشکل رونالدو نیست، مشکل تاکتیکی است. اینکه رونالدو نمی‌دود و فشاری به حریف نمی‌آورد قابل گذشت است اما پوگبا هم دفاع را دوست ندارد. این قدرت میسون گرینوود نیست. برونو فرناندز پیشقدم می‌شود.

بین حمله و دفاع به تعادل رسیده‌اند و یونایتد چندان متضرر نشده. آنها فرصت‌های گلزنی بیشتری خلق می‌کنند در حالی که ضربات کمتری به سمت دروازه‌شان می‌رود. نشانه‌های نگرانی حالا بروز کرده. گل نیوکاسل با خلأ بزرگ خط میانی به دست آمد و استون ویلا در پیروزی‌اش در اولدترافورد از این مزیت بهره برد.

یونایتد هنوز با رقبای قهرمانی روبه‌رو نشده. در چهار بازی بعدی با لیورپول و منچسترسیتی دیدار می‌کنند. فعلاً گل‌های رونالدو تیم را حفظ کرده باید در آینده دید آیا کافی است؟

منبع: دیلی میل

رکوردهای تمام نشدنی رونالدو

رونالدو در برد ۳ بر صفر پرتغال مقابل قطر یک رکوردش را بهبود بخشید و یک رکورد شکست. ستاره ۳۶ ساله منچستریونایتد که ماه گذشته رکورد ۱۰۹ گل علی دایی به عنوان بهترین گلزن فوتبال ملی را شکسته بود، با آنکه فقط در نیمه اول بازی کرد، یک گل زد و تعداد گل‌های ملی خود را به ۱۱۲ گل رساند. او همچنین تعداد بازی‌های ملی خود را به ۱۸۱ دیدار رساند و به عنوان دارنده بیشترین بازی ملی در اروپا، از سرخیو راموس عبور کرد. هم تیمی سابقش در رئال مادرید ۱۸۰ بازی ملی در کارنامه دارد اما بعید است فرصت دوباره‌ای به دست آورد با توجه به اینکه لوییز انریکه او را کنار گذاشته است. رکورددار بازی‌های ملی در جهان سوه چین آن از تیم مالزی با ۱۹۵ بازی ملی است و رونالدو به احتمال زیاد در بازی فراداشب پرتغال مقابل لوکزامبورگ در مقدماتی جام جهانی شرکت می‌کند و این فاصله را به ۱۳ بازی می‌رساند.

همسر یکی از چهره‌های معروف فاش کرد:

بریز و بپاش‌های لاکچری مدیران فیفا

گزارش
نیک هریس

چاک بلیزر نماد دو چهره فیفا بود؛ از یک طرف تاجری موفق و پرشور که همواره به دنبال معامله بعدی است و از طرف دیگر بدجنس و گاه خشن که در همه فعالیت‌های غیرقانونی فوتبال از مشارکت در بازار سیاه بلیت گرفته تا فشار و رشوه‌خواری دست داشت.

بلیزر یکی از مقامات ارشد فدراسیون بین‌المللی فوتبال بود- او در سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۶ از اعضای کمیته اجرایی فیفا بود که قدرت تصمیم‌گیری بالایی داشت- و برای یک شغل پاره وقت به جز مزایا سالانه ۲۰۰ هزار دلار دستمزد دریافت می‌کرد. زندگی ایده‌آلی هم داشت.

مری لین بلنکس که بیش از یک دهه نامزد بلیزر بود، می‌گوید: «هر جا که می‌خواستیم برویم با یک ماشین عالی با راننده بودیم. پروازهایمان را با جت خصوصی انجام می‌دادیم و هر بار که شام می‌خوردیم یک گروه موسیقی و بهترین نوشیدنی‌ها و غذاها در اختیارمان بود. فوق‌العاده بود پولی که برای شادنگه داشتن ما هزینه می‌شد.»

بلنکس به عنوان نامزد نایب رئیس فیفا، برای سفر به ۴۰ کشور جهان هزینه کرد؛ با پادشاه ژاپن در توکیو دیدار داشت. ملکه انگلیس را در کاخ باکینگهام دید و در زوریخ با پرنس ویلیام، دیوید بکام و دیوید کامرون ملاقات کرد. هدایایی از ولادیمیر پوتین دریافت کرد و یک بار در سفری ۲۱ ساعته در یک هواپیمای خصوصی فرصت داشت با نلسون ماندلا همسفر شود.

او ادامه می‌دهد: «یک بار برای تولدم یک مرسدس آدناور خرید که صد هزار دلار ارزش داشت و من گفتم چه عالی، حالا قرار است با این به نیویورک برویم؟ او جواب داد نمی‌توانیم با این برویم، خیلی ارزش دارد و من گفتم قرار است این را در زوریخ نگه داریم که جوابش مثبت بود.»

بلنکس حضور گسترده‌ای در مستند دو قسمتی دیسکاوری دارد که به موضوع فساد در فیفا و سقوط وحشتناک این سازمان در سال ۲۰۱۵ می‌پردازد. در آن سال FBI و اداره مالیات آمریکا (IRS) با شدت عمل فوق‌العاده‌ای نسبت به پرونده فساد سیستمی، تبانی و پولشویی در فیفا تحقیقات انجام داد و خیلی‌ها را روانه زندان کرد.

بلیزر که سال ۲۰۱۷ در ۷۲ سالگی درگذشت، دو آپارتمان در برج‌های ترامپ داشت که یکی به گربه‌هایش اختصاص داشت. یک بار هم با اسکوتر در حالی که طوطی‌اش روی شانه بود، در مسیر مخصوص منهتن حرکت می‌کرد.

در یکی از این سفرها، FBI و IRS دست رویش گذاشتند و به او اولتیماتوم دادند. پلیس فدرال و اداره مالیات آمریکا متوجه شدند بلیزر ۱۴ سال است که یک سنت مالیات نداده و به شواهدی دست یافتند که نشان می‌داد او به طور غیرقانونی بخشی از معاملات اسپانسرشیپ و حق پخش تلویزیونی را به خود اختصاص می‌دهد. بلیزر وقتی در سال ۲۰۱۱ با این موضوع روبه‌رو شد، به صورت زیرپوستی با FBI همکاری کرد و چندین نفر از همکارانش را درگیر کرد.

او پرزرق و برق و خوشگذران بود اما یک جنبه منفی داشت. در دوره اول حضورش در کنار بلنکس در دهه ۷۰ میلادی نسبت به او خشونت به خرج می‌داد و باعث شد ترکش کند. به خاطر ثروت و شهرتش و البته ابراز پشیمانی توانست او را در سال ۲۰۰۲ برگرداند و اگر چه همچنان از نظر فیزیکی و احساسی گاهی توهین‌آمیز رفتار می‌کرد اما سبک زندگی فیفایی او برای بلنکس جذاب بود: «سفرهای من به زوریخ دیگر عادی شده بود و هر بار که می‌رفتیم ۲۰ هزار دلار فیفا دریافت می‌کردیم. با کمیته اجرایی فیفا مثل پادشاهان رفتار می‌شد چون آنها درباره جام جهانی تصمیم می‌گیرند و برای همین همه می‌خواهند هوایشان را داشته باشد و هر چه بخواهند برایشان فراهم می‌شود.»

بلنکس تعریف می‌کند وقتی قرار شده همکاری مخفیانه با FBI داشته باشد، برنامه ابتدایی این بود که وسیله پنهانی شنیدن را زیر لباس‌هایش مخفی کند: «یک سیم و چیزهایی را به او چسباندند اما از آنجا که چاق بود و زیاد عرق می‌ریخت، برچسب‌ها به بدنش نمی‌چسبیدند. بعد به او یک دسته کلید دادند و گفتند هر وقت که برای صرف شام با این افراد به رستوران رفت، دسته کلید را روی میز بیندازد و بقیه کارها را به آنها بسپارد اما او نپذیرفت به این دلیل که انداختن کلید روی میز شام بسیار کاربی‌کلاسی است اما به او گفتند آقای بلیزر هر کاری به شما گفته می‌شود، بدون چون و چرا انجام دهید. من ویران شده بودم چون کسانی که صدایشان را می‌شنیدیم، دوستان ما بودند. حتی از بچه‌های شان مراقبت می‌کردم، من با بعضی از این خانم‌ها ساعت‌ها معاشرت می‌کردم اما او می‌گفت اینها اصلاً برایم اهمیتی ندارند، فقط حواسم به خودم است. همیشه می‌گفتند فیفا مثل یک گروه مافیایی عمل می‌کند که رئیس و گانگستر و کارکنان دیگر دارد. هیچ وقت فکرم را راجع به چاک خراب نمی‌کردم اما فکر می‌کنم کار خودش بود.»

امیدواری آبی‌ها برای خرید ستاره دورتموند

پوما، هالند را به سیتی می‌برد؟

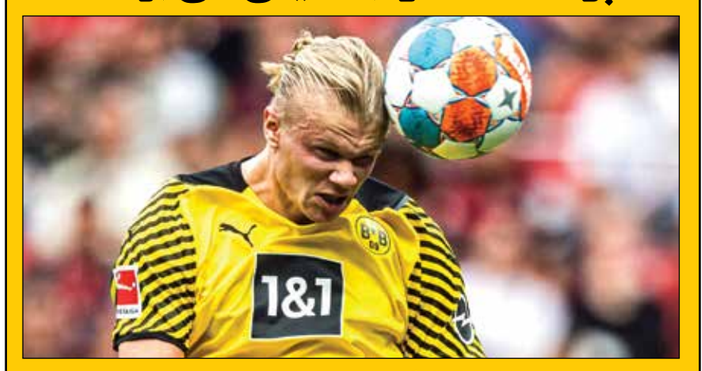

منچستر سیتی امیدوار است که با کمک پوما، ارلینگ هالند را خریداری کند.

شرکت پوما اسپانسر پیراهن منچستر سیتی است و می‌خواهد این مهاجم نروژی را تبدیل به چهره اصلی تبلیغاتش کند. پوما به هالند ۲۱ ساله، معادل ۵۰ میلیون پوند در چهار سال پیشنهاد داده است. هالند در حال حاضر با نایکی قرارداد دارد و از قرارداد او دو سال دیگر باقی مانده است.

اما این پدیده بوروسیا دورتموند که در ۴۸ بازی لیگ ۴۷ گل برای این تیم زده است، ممکن است زودتر از این دو سال شرکت اسپانسرش را عوض کند. در این صورت، اوضاع به سود منچستر سیتی خواهد شد که رابطه خوبی با پوما دارد.

منچستر سیتی در سال ۲۰۱۹ قراردادی بلندمدت با پوما به ارزش ۶۵۰ میلیون پوند در ده سال امضا کرد. پپ گواردیولا، کایل واکر، ادرسون و اولکساندر زینچنکو هم با این شرکت قرارداد دارند.

باشگاه‌های زیادی هالند را می‌خواهند اما بیه ماروتا، مدیر اینترگفته، زمانی که در یوونتوس بود، می‌توانست او را با قیمت ۲ میلیون یورو خریداری کند اما این کار را نکرد: «یکی از بزرگترین حسرت‌هایم مربوط به قرارداد هالند است. من مدیر یوونتوس بودم و می‌شد او را با قیمت ۲ میلیون یورو از مولده بخریم. نزدیک به خریدش هم بودیم.»

عربستان نیوکاسل را خریده؟

قذافی در آستانه خرید منچستریونایتد بود!

سرهنگ قذافی در آستانه خرید سهام قابل توجهی از باشگاه منچستریونایتد بود اما در نهایت این باشگاه را به دست نیاورد. اخیراً صندوق سرمایه‌گذاری دولتی عربستان، باشگاه نیوکاسل را خریداری کرده است. این کار آنها با انتقادات گسترده روبه‌رو شده، چرا که محمد بن سلمان، رئیس این صندوق، فردی پرحاشیه است اما این اولین باری نیست که یک فرد جنجالی به سراغ یک باشگاه فوتبال می‌رود. مهمت دالمان، که شرایط خرید منچستریونایتد را برای خانواده گلیزر مهیا کرد، در سال ۲۰۱۸ گفته بود که در سال ۲۰۰۴ به لیبی سفر کرد تا با قذافی دیدار کند. او قصد داشت حدود ۳۰ درصد از سهام منچستریونایتد را بخرد: «مردم نمی‌دانند که خیلی نزدیک بود که سهام باشگاه به لیبی برود. قذافی تقریباً داشت باشگاه را می‌خرید. تنها چند ساعت بعد، قرار بود باشگاه به نام او شود اما نشد. ما هفت، هشت ماه پیش درباره خرید سهام منچستریونایتد صحبت کردیم، ولی آن را مخفی نگه داشتیم. من به پدرم گفتم که این کار مانند خرید کلیسای انگلیس است. این کار غیرممکن بود، چرا که طرفداران نمی‌گذاشتند این اتفاق بیفتد.» قذافی در اکتبر ۲۰۱۱ و در جریان اعتراضات مردم لیبی کشته شد. حالا نیوکاسل به خاطر ثروت صندوق سرمایه‌گذاری دولتی، تبدیل به ثروتمندترین باشگاه دنیا شده است.

گزارش

جاناتان ویلسون

چرا باید لوییس فان‌خال را ستود؟

گستاخ اما صادق

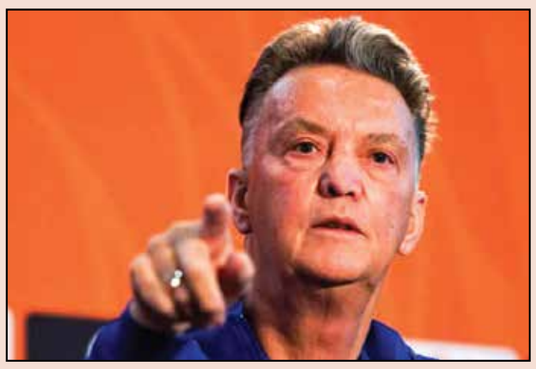

مربی ۷۰ ساله پیش بازیکن ۲۴ ساله‌اش می‌آید و با او تلویزیون تماشا می‌کند. شانه بالا می‌اندازد و می‌گوید: «این ماشین‌ها مثلاً دارند مسابقه می‌دهند؟ واقعاً از تماشای این لذت می‌بری؟ من که خوشم نیامد. همه‌اش صدای موووو، موووو!» به این ترتیب است که او علاقه فرنکی دی‌یونگ به فرمول یک را مسخره می‌کند.

مربی ۷۰ ساله سپس با بازیکن ۲۰ ساله دست می‌دهد و می‌گوید: «من که واکسن زدم. تو چی؟» یورین تیمبر جواب می‌دهد: «بله، من هم همین‌طور.» مربی می‌گوید: «خدا را شکر. تو از این اهالی تو هم توطئه نیستی.»

مربی ۷۰ ساله به آن سوی میز نشست خبری خیره می‌شود و خطاب به والنتین دریسن، خبرنگار ۵۸ ساله روزنامه ده تلگراف می‌گوید: «تو هیچی نمی‌فهمی.» دریسن می‌خواهد هلند با سیستم ۳-۳-۴ بازی کند و می‌گوید که سیستم سه دفاعه، ذاتاً دفاعی‌تر است. مربی می‌گوید: «شرمنده که این را می‌گویم اما تو فقط یک روزنامه‌نگار هستی. تو می‌خواهی دیدگاه خودت را پیاده کنی اما در فوتبال اصلاً هیچ دیدگاهی نداری! اما دیدگاه تو برای روزنامه‌ات عالی است.»

سومین دوره حضور لوییس فان‌خال روی نیمکت تیم ملی هلند تازه وارد ماه سومش شده است اما تا همین حالا هم او بارها صراحت خود را به شکلی به‌یادماندنی نشان داده است. آیا فان‌خال نسبت به گذشته گستاخ‌تر شده؟ آیا سن او باعث شده که ضعف‌های مردم دنیا را کمتر تحمل کند؟ آیا برای دیپلماسی اهمیت کمتری قائل است؟

فان‌خال در جام جهانی ۲۰۱۴ مربی هلند بود و با این تیم به رده سوم رسید اما سال‌های پس از آن، برای هلند پرتلاطم بود. در اولین بازی گاس هیدینک روی نیمکت هلند، این تیم در ده دقیقه اول دو گل خورد و یک بازیکنش هم اخراج شد. او پس از یک سال و در حالی که نیمی از بازی‌هایش را باخته بود، اخراج شد. شکست مقابل ایسلند، ترکیه و جمهوری چک زیر نظر دنی بلیند باعث شد که هلند نتواند به یورو ۲۰۱۶ فرانسه صعود کند. هلند سپس نتوانست از گروه دشوارش در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ صعود کند؛ گروهی که فرانسه و سوئد را هم داشت.

بلیند جایش را به رونالد کومان داد و حضور او باعث شد که تیم بسیار بهتر شود. تیم او مطابق قالب ۳-۳-۴ که بخش قابل توجهی از طرفداران فوتبال هلند شیفته‌اش هستند، بازی نمی‌کرد اما او هلند را به دیدار نهایی لیگ ملت‌های اروپا رساند و با این تیم به یورو ۲۰۲۰ صعود کرد.

اما پیشنهاد کار در بارسلونا آنقدر وسوسه‌انگیز بود که کومان هلند را رها کرد و وقتی یورو برگزار شد، فرانک دی‌بوئر روی نیمکت هلند نشست. تبعات این جابه‌جایی قابل انتظار بود. شکست مقابل جمهوری چک پس از اخراج ماتیس دی‌لیخت فاجعه‌بار بود.

فان‌خال می‌تواند لجوج و بی‌ادب باشد و کینه‌های عجیب به دل بگیرد. زیاد هم به اینکه آدم جذابی باشد اهمیت نمی‌دهد. یک بار کل یک صبح خسته‌کننده را به این گذراندم که با او مصاحبه کنم اما هر چه می‌پرسیدم، او با پرسش جواب می‌داد. من پرسیدم: «چرا در جام جهانی ۲۰۱۴ از سه مدافع استفاده کردی؟» و او گفت: «مدافعانم چه کسانی بودند؟»

سپس فان‌خال به تیم ملی برگشت. او از زمانی که با منچستریونایتد توانسته بود کریستال پالاس را در فینال جام حذفی ۲۰۱۶ شکست دهد، دیگر مربی هیچ تیمی نشده بود. او در دو بازی اول خود از سیستم ۳-۳-۴ استفاده کرد اما پس از تساوی یک- یک در خانه نروژ و برد چهار بر صفر برابر مونته‌نگرو، تصمیم گرفت مقابل ترکیه از دفاع سه‌نفره استفاده کند و این باعث انتقاد دریسن شد. فان‌خال به دریسن گفت که کتابش را بخواند (زندگینامه او به زبان هلندی دو جلد دارد، یکی درباره زندگی او است و دیگری درباره دیدگاه‌هایش). دریسن هم گفت که فوتبال فان‌خال دیگر مطابق الگوی اصلی نیست.

اگر یک مربی با اعتماد به نفس و پرخاشگری کمتر در نشست خبری حاضر شده بود، این را می‌پذیرفت اما فان‌خال روی حرفش اصرار کرد و گفت که مهم است که بازی تیم متحول شود. حرفی که او می‌زد صحیح بود. مربیان بسیار کمی برای بیش از یک دهه در اوج فوتبال دنیا قرار می‌گیرند. اینکه از یک مربی بخواهید که کاری را انجام دهد که قبلاً برایش جواب می‌داد، آن هم در شرایطی که فوتبال دارد هر روز عوض می‌شود، برای او خسته‌کننده است.

با این حال، اینکه فان‌خال حاضر شده از دفاع سه‌نفره استفاده کند - کاری که دو دهه پیش در بارسلونا برای اولین بار انجام داد - نشان می‌دهد که او حاضر شده عقاید خود را بازرسی کند. هلند با دی‌بوئر در خانه ترکیه با نتیجه چهار بر دو شکست خورده بود. هلند شش ماه بعد، با سه مدافع و سیستمی که در ظاهر تدافعی‌تر بود، ترکیه را شش بریک برد. پیروزی یک بر صفر در خانه لتونی در روز جمعه آنها را در صدر جدول نگه داشت.

تردیدی در این نیست که صحبت با فان‌خال کار سختی است. او می‌تواند لجوج و بی‌ادب باشد و کینه‌های عجیب به دل بگیرد. زیاد هم به اینکه آدم جذابی باشد اهمیت نمی‌دهد و باید حرف آخر را بزند. یک بار کل یک صبح خسته‌کننده را به این گذراندم که با او مصاحبه کنم اما هر چه می‌پرسیدم، او با پرسش جواب می‌داد. من پرسیدم: «چرا در جام جهانی ۲۰۱۴ از سه مدافع استفاده کردی؟» و او گفت: «مدافعانم چه کسانی بودند؟»

در آن هنگام فکر می‌کردم که این بازی قدرت است و او دارد من را به زور مجبور می‌کند که به حافظه‌ام فشار بیاورم تا نام رون فلار، برونو مارتینس ایندی و استفان دی‌فرای را به خاطر بیاورم. شاید هم تا حدی این طور بود اما حالا که فکر می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که او مانند دوران معلمی‌اش، تلاش می‌کرده که من مانند او مسأله را ببینم و حل کنم.

او خواستار آن شد که متن مصاحبه را در اختیار داشته باشد. با بی‌میلی قبول کردم. او در عرض ۲۴ ساعت، مصاحبه را برگرداند و گفت که چرا لحن آن مثل روزنامه‌های زرد شده است.

وقتی فایل را بازکردم، می‌ترسیدم که او حرف‌های جسورانه‌اش درباره ژوزه مورینیو، سیستم ناکام جوانان منچستریونایتد، یا توانایی‌های جرارد پیکه و ساموئل اومتیتی را پاک کرده باشد اما این طور نبود. او در جاهای مختلف مصاحبه، توضیحات بیشتری اضافه کرده بود، انگلیسی آن را بهتر ساخته بود و شواهد بیشتری برای دفاع از حرف‌هایش آورده بود. این شاید مسأله اصلی درباره فان‌خال باشد: او بر این باور است که حق با او است و تلاش می‌کند این را تا جای ممکن با جزئیات توضیح دهد. این کار باعث می‌شود که او به راحتی برافروخته شود و البته رفاقت با او کار آسانی نیست اما در دنیایی که افراد زیاد بلوف می‌زنند و مربیان می‌ترسند که توضیح بیش از حد درباره تاکتیک‌هایشان باعث سود رقبایشان شود، می‌توان فان‌خال را ستایش کرد. او برای فوتبال و روشی که باید بازی شود دل می‌سوزاند و در فوتبال مدرن، چنین چیزی به ندرت پیش می‌آید. باید صداقت او را ستود.

منبع: گاردین